# ضرورت حاکمیت اخلاق در شبکه‌های اجتماعی

فرید خجسته

**اخلاق، هدف اصلی بعثت پیامبران از جمله پیامبر معظم اسلام(ص) است. بنابراین، هر فعلی از افعال انسان می‌بایست در چارچوب اصول و قواعد اخلاقی انجام شود؛ زیرا انسان در برابر خود، خدا و خلق، تکالیفی دارد که باید انجام دهد. این تکالیف در چارچوب اصول و قواعد اخلاقی انجام می‌شود؛ زیرا حتی احکام شرعی و دستوری اسلام نیز مبتنی بر اصول و قواعد اخلاقی است؛ از این رو در استنباط و بیان احکام شرعی و قوانین آن، همواره به اصول اخلاقی به عنوان اصل حاکم به اصطلاح اصولی ارجاع داده می‌شود.**

**از آنجا که هر گونه فعالیت «تولیدی، ترویجی و مصرفی» در شبکه‌های اجتماعی، فعلی از افعال انسانی است، می‌بایست تحت اصول و قواعد اخلاقی و احکام شرعی قرار گیرد. به این معنا که تولیدکنندگان محتوا، ترویج‌کنندگان و بازنشردهندگان آن و همچنین مصرف‌کنندگان و استفاده‌کنندگان آن، موظفند در هر سه عرصه تولید، ترویج و مصرف محتوا، بر اساس اصول اخلاقی و شرعی عمل کنند، به طوری که حق ندارند محتوای ضد اخلاقی و ضد قانونی تولید یا آن را ترویج و بازنشر دهند یا به استفاده از آن محتوا بپردازند و از آن بهره گیرند و اندیشه‌ها و نیز رفتارها و کردارهای خویش را بر اساس آن محتوا سامان دهند.**

**در نوشتار حاضر تاثیر شبکه‌های اجتماعی در اخلاق مردم و ضرورت‌های رعایت اخلاق در زمینه مدیریت و تولید و مصرف محتوای شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.**

### تاثیر شبکه‌های اجتماعی در اخلاق مردم

با نگاهی به شبکه‌های اجتماعی می‌توان گفت که این شبکه‌ها تاثیر مستقیمی بر فکر، شخصیت و عمل انسان‌ها دارند؛ زیرا صرفا ابزارهای ارتباطی نیستند، بلکه این شبکه‌ها به عنوان ابزارهای تاثیرگذار، در همه حوزه‌های فکری و رفتاری و شخصیتی حضور و ظهور جدی دارند.

قدرت بی‌مانند تواترسازی، افکارسازی و گفتمان‌سازی شبکه‌های اجتماعی تا جایی است که عده‌ای از مردم گمان می‌کنند آنچه از طریق شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند، حقایق قطعی یقین‌آوری است که هیچ شک و تردیدی در آنها نیست. این گونه است که آنها را همچون وحی منزل می‌دانند و همه افکار، مقدرات و اعمال فردی و جمعی و نیز شخصی و اجتماعی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند.

در ظاهر، شبکه‌های اجتماعی این امکان را فراهم آورده تا تبادل آزاد اطلاعات انجام شود، در حالی که با نگاه دقیق به منابع تحلیلگر شبکه‌های اجتماعی می‌توان به سادگی دریافت که «اطلاعات» در شبکه‌های اجتماعی همانند رسانه‌ها و اینترنت دوره‌های نخست، همواره مدیریت می‌شود و تنها مردم به چیزهایی دسترسی پیدا می‌کنند که مدیران در شبکه جهانی خواهان دسترسی عموم مردم به آن هستند. مدیریت اطلاعات و دانش در شبکه‌های اجتماعی همانند رسانه‌های ماهواره‌ای از سوی صاحبان «زر و زور و تزویر» انجام می‌شود زیرا این شبکه‌های اجتماعی می‌توانند «سلطه استکباری» آنان را تامین یا تضمین یا گسترش دهند و در جنگ نرم روانی کفه را به سوی آنان سنگین کنند.

بی‌گمان شبکه‌های اجتماعی در حال مدیریت اطلاعات و دانش، بلکه مدیریت انسان هستند تا بتوانند با جهان‌سازی، نوعی از اخلاق و فرهنگ را به مردم القا کنند که بیشتر در راستای «اصالت لذت» و سرگرم کردن مردم به آن است تا این گونه بتوانند اهداف استثماری و استعماری خویش را در شکل جدید و نرم آن پیش برند، بی‌آنکه هزینه آنچنانی بر آنان تحمیل شود؛ زیرا بردگان جنگ نرم در شبکه‌های اجتماعی، خود ابزاری برای گسترش و سلطه بی‌چون و چرای گفتمان اصالت لذت هستند که هیچ اصول اخلاقی جز «لذت» و ارضای آن را مبنای فکر و تقدیر و عمل خویش قرار نمی‌دهند.

شخصیت‌ها در جهانی که شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های استکباری آن را می‌سازند، شخصیت‌های تهی از هر گونه اخلاق و اصول انسانی هستند؛ زیرا تهاجم انبوهی از افکار و رفتار مبتنی بر لذت جویی، مردم را به سمت و سویی می‌کشاند که نمی‌توانند در برابرآن مقاومت کنند.

البته آنچه بیان شد ناظر به مجموعه امروزی شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های به ظاهر همگانی در فضای مجازی است که فضای فکری و فرهنگی جوامع بشری را تهدید می‌کند؛ ولی این بدان معنا نیست که شبکه‌های اجتماعی یا رسانه‌ها به طور کلی از چنین هویت و ماهیتی برخوردار هستند، بلکه این ابزار همانند دیگر ابزارها می‌تواند مفید یا مخرب باشد؛ بنابراین، لازم است تا مدیریت شبکه‌های اجتماعی به دست کسانی قرار گیرد که به اصول اخلاقی دست کم اعتقاد دارند و بر اساس اصالت لذت افکارسازی و گفتمان سازی نمی‌کنند.

**از نظر قرآن هر گونه استفاده از هر منبع غیر موثق جایز نیست؛ زیرا استفاده از منابع فاسق و غیر موثق موجب می‌شود تا انسان فکر و عملی را داشته باشد که بر خلاف منافع فردی و جمعی است و به خود و دیگران آسیب می‌رساند.**

قدرت گفتمان سازی شبکه‌های اجتماعی در حد و اندازه‌ای است که می‌تواند مردم را ناخودآگاه و ناخواسته به سمت و سوی فکر و عملی سوق دهد که شخصیت آنان در نهایت «شیطانی» یا «متاله و الهی» باشد. باید از این قدرت بسیار قوی برای ایجاد انسان‌های در سطح مکارم اخلاقی بهره برد ، نه آنکه آنان را به سطح حیوان ساقط کرد و تنها همانند چهارپایان آنان را سرگرم شهوترانی کرد یا چنان با این ابزار به سمت غضب سوق داد که قتل و کشتن برای آنان یک لذت به تمام معنا باشد.

در فضای کنونی شبکه‌های اجتماعی همانند دیگر رسانه‌ها، آنچه در حال اتفاق افتادن است، هنجارشکنی و گسترش ضد ارزش‌ها و حتی قانون شکنی است؛ چرا که مدیریت فعلی شبکه‌های اجتماعی و بلکه همه رسانه‌ها در سطح جهانی در اختیار استکبار جهانی و شیطانی است که بر فکر اصالت لذت تکیه و تاکید دارد و روزبه‌روز برای گسترش و دامن زدن به آن به شکل هیجانی عمل می‌کند. این گونه است که انواع تغییرات خلقی در اجتماعات بشری و نفوس آدمی شکل می‌گیرد و مردمان به جای آنکه قوای شهوانی و غضبانی خویش را مهار و مدیریت کنند، به افزایش آن می‌پردازند.

در شبکه‌های اجتماعی خارجی و جهانی عمدتا به برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی از همه جنس تاکید می‌شود و با هنجارشکنی در همه ابعاد، بر آزادی مطلق فجوری دمیده می‌شود به گونه‌ای که گفتمان اصلی در همه جوامع بشری ارضای شهوات و قوه غضب است. بازی‌ها و فیلم‌ها بر مدار و محور لذت‌جویی و اقسام شهوات سامان می‌یابد و اسراف و زیاده روی در شهوات جنسی و غذایی در کنار قتل و غارت و اذیت و آزار دیگران تشویق و ترغیب می‌شود.

ضرورت حاکمیت اخلاق در مدیریت و تولید محتوای شبکه‌های اجتماعی

از نظر آموزه‌های قرآن، هر مسلمانی موظف است تا در چارچوب عرف معقول و مقبول عمل کند که انسان را به کمالات سوق دهد. بنابراین، عرف هرگز نمی‌تواند ضد اخلاقی و بر خلاف مبانی آن باشد.

شکی نیست که مهم‌ترین واصلی‌ترین صفت اخلاقی که یک حقیقت و فضیلت انسانی است، نخست اصول اخلاقی را بشناسد و جایگاه حق هر چیزی را بداند و برای آن تلاش کند تا هر چیزی در جایگاه حق خویش که خدا قرار داده و مقدر نموده قرار گیرد.

کسانی که مدیریت شبکه‌های اجتماعی را به دست می‌گیرند، باید از خلق عظیم برخوردار باشند؛ یعنی از سطح عالی و تمام اخلاقیات بهره‌مند باشند به طوری که همانند عظمت کوه اورست در زمین یا خورشید در آسمان به چشم آیند. از همین رو رهبری و هدایت امور اجتماعی مهم از جمله مدیریت شبکه‌های اجتماعی می‌بایست در اختیار صاحبان خلق عظیم باشد.(قلم، آیه ۴؛ نساء، آیه ۵۹؛ مائده، آیه ۵۵)

اگر از نظر آموزه‌های وحیانی هدف خلقت، بندگی خدا به عنوان یک حکم عادلانه است، هر کسی که بخواهد در هر کاری وارد شود می‌بایست این بندگی را در ساختار عدل دنبال کند و بر اساس آموزه‌های عادلانه خدا، عمل و رفتار کند. این بدان معناست که هر گونه تولید محتوا چه در قالب کتب یا چند رسانه‌ای دیداری و شنیداری و مانند آنها، نمی‌بایست بر اساس اصالت لذت و تامین قوای شهوانی و غضبانی باشد؛ بلکه عقل انسانی باید حاکم بر اعمال باشد و آن را برای رشد و بالندگی انسان و جوامع بشری مدیریت کند.

هر کسی که در جایگاه مدیریت یا تولید محتوای شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد می بایست خود را در سطح رهبران و مربیان بشر بداند و به افکارسازی و شخصیت‌سازی و عمل گرایی بر اساس اصول اخلاقی و قواعد آن بپردازد و این گونه تزکیه و تعلیم الهی داشته باشد؛ وگرنه کسی که به افکار سازی بر اساس اصالت لذت می‌پردازد و شخصیت‌ها و اعمال را بر اساس آن سامان می‌دهد و هنجار شکنی می‌کند و به جای معروف، منکر را تشویق و ترغیب و توسعه می‌بخشد، چنین شخصی به عنوان «ائمه الکفر» می‌بایست از نظر قانونی و حقوقی مجرم و از نظر اخروی گناهکار دانسته شود و مجازات‌های دنیوی و اخروی را به جان بخرد.(توبه، آیه ۱۲)

از نظر قرآن، همان طوری که جان و مال هر کسی محترم است و حتی خود شخص نمی‌تواند نسبت به آن بی‌احترامی و هتک حرمت کند، همچنین نمی‌تواند نسبت به عرض و آبروی خویش به گونه‌ای عمل کند که موجب بی‌احترامی شود. این عمل نسبت به دیگران نیز حرام بلکه از نظر قانونی و شرعی جرم است و مجازاتی را در دنیا و آخرت به دنبال دارد. از همین رو کسی که قذف می‌کند و به دیگری تهمت می‌زند که زنایی کرده می‌بایست هشتاد ضربه را متحمل شود.(نور، آیات ۱ تا ۸)

بنابراین، تولید محتوایی که موجب می‌شود تا «عرض» خود یا دیگران هتک شود، به عنوان «منکرات» (ناشایسته‌ها) نه تنها حرام است، بلکه نسبت به دیگران جرم و موجب مجازات می‌شود. (حجرات، آیه ۱۲)

در تولید محتوا نمی‌توان از اصول اخلاقی و قانونی تعدی کرد و بر اساس بدگمانی نسبت به دیگران اعم از دولت یا مردم، مطالب ومحتوایی را تولید کرد که قطع و یقین علمی نسبت به آن وجود ندارد، همچنین نمی‌توان برای تولید محتوا از هر ابزاری حتی حرام مانند «تجسس» و فضولی در زندگی دیگران بهره گرفت؛ یا حتی اگر اطلاعات موثقی از شخص داشته باشد که قطعی و یقینی است نمی‌توان در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد، زمانی که آن اطلاعات «محرمانه» یا «خاص» یک دستگاه چون قوه قضایی باشد.(حجرات، آیات ۱۰ تا ۱۲)

خدا در قرآن به مومنان هشدار می‌دهد که اولیای شیطان گرفتار انواع خوف هستند؛ زیرا اصولا مستکبران شیطانی برای حفظ و یا گسترش سلطه شیطانی خودشان از ابزار ترساندن دوستان خویش استفاده می‌کنند و کسانی که تحت ولایت آنان هستند همواره در ترس به سر می‌برند.(آل عمران، آیه ۱۷۵)

با نگاهی به شبکه‌های اجتماعی خارجی و جهانی می‌توان دریافت که مدیریت تولید محتوا در این شبکه‌ها به دنبال ایجاد خوف و هراس در کسانی است که به این شبکه‌ها اعتماد می‌کنند تا این گونه سلطه خویش را نسبت به آنان حفظ کنند. این خوف را گاه با هراس افکنی نسبت به امور یا کسان یا چیزهایی ایجاد و گسترش می‌دهند که اولیای شیطان را به سمت شیطان سوق می‌دهد تا برای حفظ امنیت خویش در سلطه شیطانی باقی بمانند.

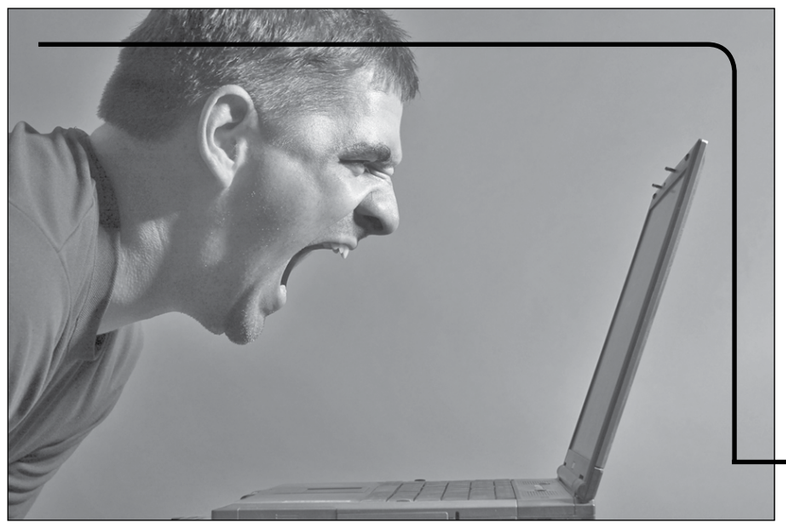

**در فضای کنونی شبکه‌های اجتماعی همانند دیگر رسانه‌ها آنچه در حال اتفاق افتادن است، هنجارشکنی و گسترش ضد ارزش‌ها و حتی قانون شکنی است؛ چرا که مدیریت فعلی شبکه‌های اجتماعی و بلکه همه رسانه‌ها در سطح جهانی در اختیار استکبار جهانی و شیطانی است که بر فکر اصالت لذت تکیه و تاکید دارد و روز به روز برای گسترش و دامن زدن به آن به شکل هیجانی عمل می‌کند.**

**قدرت بی‌مانند تواترسازی، افکارسازی و گفتمان‌سازی شبکه‌های اجتماعی تا جایی است که عده‌ای از مردم گمان می‌کنند آنچه از طریق شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند، حقایق قطعی یقین‌آوری است که هیچ شک و تردیدی در آنها نیست. این گونه است که آنها را همچون وحی منزل می‌دانند و همه افکار، مقدرات و اعمال فردی و جمعی و نیز شخصی و اجتماعی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند.**

### ملاحظات اخلاقی در ترویج و مصرف محتوا

با نگاهی به آموزه‌های قرآن، همان طوری که لازم است تا ملاحظات اخلاقی در مدیریت شبکه‌های اجتماعی یا مدیریت تولید محتوا در نظر گرفته شود و بر اساس معیارهای اخلاقی مدیریت و تولید انجام شود، همچنین لازم است تا اخلاق در هنگام ترویج و نشر یا بازنشر و بلکه حتی در مصرف واستفاده از محتواهای شبکه‌های اجتماعی مراعات شود؛ زیرا ترویج و نشر و بازنشر یا استفاده از یک محتوا به عنوان یک فعل مکلف تحت احکام اخلاقی و حقوقی و قانونی قرار می‌گیرد.

از نظر قرآن هر گونه استفاده از هر منبع غیر موثق جایز نیست؛ زیرا استفاده از منابع فاسق و غیر موثق موجب می‌شود تا انسان فکر و عملی را داشته باشد که بر خلاف منافع فردی و جمعی است و به خود و دیگران آسیب می‌رساند.(حجرات، آیه ۶)

بنابراین، اگر کسی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در حال نشر و ترویج یا استفاده از محتوایی است که درباره آن و منابع آن شک دارد باید دست نگه دارد وبه اولیای امور آن مراجعه کند.(نساء، آیه ۵۹) زیرا نشر یا استفاده از این محتوا می‌تواند به ایجاد نزاع و درگیری یا ترس یا شایعه‌پراکنی و دیگر رفتارهای نابهنجار بینجامد که خطرات آن برای فرد وجامعه بسیار است؛ حتی برخی از این محتواها می‌تواند لرزه به اجتماع بیندازد و موجب جنگ و خونریزی و قحطی و ناامنی هتک حرمت و آبروی شخص یا اشخاص و مانند آنها شود.(احزاب، آیات ۶۰ و ۶۱)

به هر حال، اخلاق در هر جایی بویژه در شبکه‌های اجتماعی می‌بایست به عنوان یک اصل، بر همه افعال و اعمال و رفتارهای ما در تولید و ترویج و مصرف حاکم باشد و نباید در اموری وارد شویم که به اصول اخلاقی زیان می‌رساند و در نهایت به شخصیت و اعمال خود و دیگران لطمه زده و همگی را به سقوط می‌کشاند.

---

به مناسبت ارتحال عالم وارسته، حجّت‌الاسلام و المسلمین حاج آقا مسلم اسماعیلی

# آمیزه‌ای از دیانت خدمت و کیاست

**شاید او را نمی‌شناسید و یا از او کمتر شنیده‌اید، روحانی فداکار و پاکباخته‌ای بود، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌آقا مسلم اسماعیلی. وجیزه‌ای که درپی می‌آید، شرح حالی از آن روحانی بزرگوار است به قلم یکی از کسانی که با آن مرحوم حشر و نشر داشته است.**

* * *

هنگامی که عالمی از دنیا می‌رود، آسیبی به اسلام وارد می‌شود که با هیچ چیزی جبران نمی‌شود.

با آنکه از شروع بیماری منحوس، به فوت بسیاری از افراد عادت شده، اما خبر درگذشت مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا مسلم اسماعیلی (رضوان‌الله علیه) بسیاری را بهت‌زده و محزون کرد و بسیاری از علما، طلاب ایرانی و غیر ایرانی و اقشار مختلف مردم، خود را بدون یاور یافتند. چه شد که شخصیتی مثل ایشان به این محبوبیت رسید؟ در حالی که همه آنها که با ایشان مأنوس بودند یافته بودند که اصلاً تلاشی برای مشهور و محبوب شدن نکرده بلکه‌گریزان از این عناوین بودند. در ادامه برخی از ویژگی‌های ایشان فهرست می‌شود. باشد که درسی برای همگان در جهت ارتقای اخلاقی و بصیرتی باشد.

۱- مهم‌ترین ویژگی حاج آقا مسلم، یافتن وظیفه لحظه و عمل بهنگام به آن بود. چه در دوران طاغوت، چه در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب، چه در دوران دفاع مقدس و بعد از آن، همیشه تلاش می‌کردند به وظیفه خود عمل کنند و البته هزینه‌ها و سختی‌های ملازم با انجام وظیفه را نیز به جان می‌خریدند. این ویژگی، صفت مهم دیگری را نیز با خود داشت و آن اخلاص زایدالوصف ایشان بود. در کارها خدا را دیدن و برای او تلاش کردن و کار را برای دیده شدن از سوی مردم نکردن، باعث شده بود که کارهای ایشان برکت پیدا کند.

۲- زهد و رویگردانی از دنیا از دیگر ویژگی‌های بارز آن بنده خوب خدا بود. با آنکه آنقدر مورد محبّت متمولان و مسئولان لشکری و کشوری بودند که امکان توسعه معیشت از راه‌های حلال نیز برای ایشان وجود داشت، امّا همیشه به همان خانه قدیمی و مندرس بسنده کردند و از حداقل ظواهر خوراکی و پوشاکی و... دنیا بهره‌مند شدند. البته توجیه خانواده محترمشان و همراهی ایشان هم سهم والایی در این اتّفاق داشت.

۳- رعایت شریعت و عمل حداکثری به مستحبات و سنت‌های اسلامی هم ایشان را متمایز می‌کرد. ارتباط با خداوند، قرآن کریم، توسّل با اهل بیت (علیهم‌السلام) و قرائت ادعیه و دعوت دیگران به این امور مهم، از ممیّزات خاصّ ایشان بود.

۴- فهم درست زمانه، کشور، جبهه مقاومت، جهان و جریان‌های سیاسی و اجتماعی کشور و هدایت سیاسی و اجتماعی دوستان و نزدیکان به مسیر درست، ویژگی عجیب ایشان بود. معمولاً در اذهان عمومی، اشخاص متنسک، به دور از اجتماع معنا می‌یابند اما حاج آقا مسلم اسماعیلی بسیار بصیر و عامل به وظایف اجتماعی، سیاسی و انقلابی بود. ارادت ویژه به امام راحل و رهبر معظّم انقلاب و همچنین شهدای عزیز انقلاب، دفاع مقدّس و دفاع از حرم، از سیره‌های مهمّ ایشان و معیار حمایت و تأیید ایشان از افراد بود. روزی درباره شهدای مدافع حرم فرمودند: هر شهیدی که ما در این مسیر می‌دهیم ما را یک گام به ظهور نزدیک می‌کند که طول این گام از اینجا است تا عرش. نسبت به خطرات استکبار و استعمار و شبکه صهیونیسم جهانی نیز بسیار نگران بودند و حرکات ایشان را رصد می‌کردند.

۵- خدمتگزاری به خلق و دستگیری از محرومان مادی و معنوی از دیگر صفات بارز این عزیز بود.

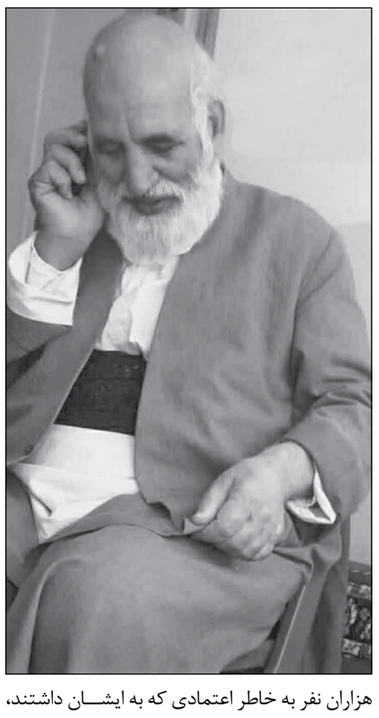

هزاران نفر به خاطر اعتمادی که به ایشان داشتند، وجوهات و صدقات و نذورات خود را به ایشان می‌دادند و ایشان با رعایت اولویت به گروه‌های مختلف بویژه طلاب نیازمند غیر ایرانی و مدافعان حرم می‌رساندند. و البته اصرار به تقویت نهادهایی مثل کمیته امداد حضرت امام (قدّس‌سره) نیز داشتند. علاوه بر این در راه‌اندازی مجموعه‌های جهادی و همچنین حمایت از گروه‌های جهادی تلاش می‌کردند.

در کنار این کمک مادی، منبع مطمئنی برای مشورت‌های مختلف طلاب و عموم اقشار بودند. از صبح اوّل وقت تا شام، تلفن منزل و گوشی همراه ایشان مشغول بود و افراد مختلف از اقصی نقاط کشور و جهان از ایشان مشورت می‌گرفتند. تلاش ایشان بر این بود که در مشاوره‌ها مخاطب به گرم شدن کانون خانوادگی‌اش ترغیب شود، به دنبال راه‌های خرافی برای حل مشکلاتش نرود و با بهره‌گیری از قرائت کلام‌الله و دعاها و توسلات اذکار مشهور و همچنین صدقه و نذر بویژه برای حضرت زینب و حضرت عباس (علیهماالسلام) ارتباط خود را با خداوند تقویت کند.

۶- رعایت سبک زندگی اسلامی ایرانی در خوراک و پوشاک و.... و توجه دادن دیگران به این مهم و حتّی تسهیل کردن دسترسی افراد به این خدمات از دیگر ویژگی‌های بارز ایشان بود.

۷- تلاش برای تربیت افرادی که از نزدیکان ایشان بودند هم از دیگر ویژگی‌های حاج آقا مسلم بود. البتّه ایشان به شدّت از مرید و مرادبازی فراری بودند و همچنین از اینکه برخی کرامات به ایشان منسوب شود،گریزان. از طریق رفیق شدن با افراد و با بهره‌گیری از اکسیر محبت، تلاش داشتند تا نزدیکان ایشان رشد کنند و انصافاً در رفاقت کم نمی‌گذاشتند. دوستی می‌گفت: «بیمار شدم و حاج آقا از قم تا تهران و با وسیله نقلیه عمومی آمدند تا از من عیادت کنند و بازگشتند».

۸- کیاست و تیزهوشی اجتماعی ایشان باعث شده بود که در دام اصحاب فساد، ثروت و قدرت نیفتند و با بینش قوی خود، جلوی نفوذ و انحراف فعالیت‌های خیر و عمومی توسط این افراد را بگیرند.

۹- تواضع ایشان بسیار زبانزد بود. در مقابل علما و طلاب و سادات و عموم مردم، خاکسار بودند و البتّه لحاظ‌های مختلفی را نیز در این زمینه رعایت می‌کردند که از تواضع ایشان سوءاستفاده نشود.

با آنکه سال‌ها در میدان مبارزه علیه رژیم منحوس پهلوی و همچنین کمک به انقلاب اسلامی بودند و همچنین از محضر اساتید مختلف حوزوی و سلوکی بهره‌مند بودند امّا اگر کسی ایشان را نمی‌شناخت نمی‌توانست این فضیلت‌های علمی و اخلاقی و مبارزاتی ایشان را دریابد و جهانی بود، بنشسته در گوشه‌ای...

۱۰- دائرةالمعارفی از تاریخ معاصر شفاهی و کتاب تراجم و رجالی از علما، مبارزان، خیران و متنفّذان بود.

۱۱- برخورد خوب و مهربانی و مزاح به اندازه، مجلس انس با ایشان را لذت‌بخش می‌کرد و باعث می‌شد افراد از بودن کنار ایشان ملول نشوند. در جلسه‌ای که کنارشان می‌نشستی هم معرفت قرآنی بود، هم معرفت روایی، هم با اذکار آشنا می‌شدی، هم مسائل تاریخی و شرح حال علما و بزرگان را می‌شنیدی، هم از مسائل سیاسی مطّلع می‌شدی، هم با سبک زندگی اسلامی و ایرانی و هم به خواص ادویه و غذاهای سنتی عالم می‌شدی و خلاصه هم فال بود و هم تماشا.

اینها برخی از ویژگی‌های کسی است که هم حوزه را درک کرد و هم اجتماع را. هم از محضر مجتهدان و علمای اخلاق بهره برد، هم از نفس و دانش‌های تقوایی بزرگانی همچون حاج آقا فخر تهرانی (رضوان‌الله علیه) بی‌نصیب نماند. در میدان مبارزه در کنار بزرگانی همچون ابوترابی و اندرزگوها قرار گرفت.

این ویژگی‌ها ایشان را یکی از شخصیت‌های کم‌نظیر این دوران و چه بسا صدها سال اخیر می‌کند و از این رو است که بسیاری از علاقمندان ایشان، این‌گونه از ارتحالشان، احساس یتیم شدن می‌کنند....

روحش مهمان سفره باکرامت موالیانش باد.

---

## چراغ راه

### لزوم پرهیز از دروغ، چه شوخی و چه جدی

**قال‌الامام‌علی(ع): «لایجد عبد طعم الایمان حتی یترک الکذب هزلة و جدة».**

امام علی(ع) می‌فرماید: هیچ بنده‌ای طعم ایمان را نمی‌چشد، مگر اینکه دروغ را چه شوخی و چه جدی ترک کند.[1]

۱- اصول کافی، ج ۴، باب الکذب، ح ۱۱

## حکایت خوبان

### تعارف دروغ

در روایات آمده است که در شب زفاف عایشه که به سادگی برگزار می‌شد، کاسه شیری به دست رسول خدا داده شد. آن حضرت بعد از آنکه مقداری از آن شیر تناول فرمودند: کاسه را به ام‌سلمه دادند و فرمودند: میل کن: ام‌سلمه! گفت: میل ندارم رسول خدا(ص) فرمود: هم گرسنگی کشیدن هم دروغ؟! یعنی می‌دانم میل داری و به دروغ تعارف می‌کنی. عرض کرد: آیا این هم دروغ محسوب می‌شود؟ حضرت فرمود: بلی[1]

۱- محجة البیضاء، ج ۵، ص ۲۴۹

## پرسش و پاسخ

### آفت تعارفات دروغین

**پرسش:**

**آیا تعارفات موجود در روابط میان آحاد مردم موجب تقویت و تحکیم بعد عاطفی و انسانی می‌شود یا اینکه آثار سوء و کدورت قلبی و نفاق و دورویی را در وجود انسان تقویت و نهادینه می‌کند؟**

**پاسخ:**

#### مبنای تعارفات پسندیده

تعارفات تا آنجا که پای عواطف واقعی در کار باشد و مقصود شخص ابراز عاطفه و علاقه و محبت بوده باشد، خوب و پسندیده است. زندگی اگر عاری از عواطف باشد خشک و بی‌روح است، و از ادب عاطفه و محبت این است که مکتون نماند و به طرف مقابل اظهار شود تا محبت او نیز جلب گردد.

رسول خدا(ص) فرمود: علاقه‌ای که میان تو و دوستت هست، آن را زود ظاهر ساز که رشته دوستی را محکمتر می‌کند. تعارف تا آنجا که به صورت تبادل عواطف واقعی و اظهار محبت صمیمی باشد، خوب و مستحسن است.

#### تعارفات دروغین یا نفاق و دورویی

متاسفانه ملت‌هایی که رشد اخلاقی و اجتماعی بالایی ندارند، گرفتار انواع تعارفات دروغین می‌باشند. دو نفر از آنها که همراه یکدیگر هستند و می‌خواهند به اتاقی وارد شوند یا از اتاقی خارج گردند، مدتی با یکدیگر تعارف می‌کنند، در صورتی که هرکدام از آنها در دل خود از جلو افتادن دیگری ناراضی است. همچنین است تعارفاتی که بعضی میزبانها نسبت به مهمانان می‌کنند، همه اظهارات بی‌روح و خشک است. تصنع و ظاهرسازی است. این‌گونه تعارفات داخل در نفاق و دورویی است.

#### استعداد نفاق و دورویی در انسان

نفاق و دورویی از مختصات بشر است، و اگر در بعضی از حیوانات دیگر بوده باشد، یک درجه خفیفی است.

برخی حیوانات مانند روباه به مکر و خدعه معروف شده‌اند، که قابل مقایسه با مکرها و خدعه‌ها و ظاهرسازی و تصنعهای انسان نیست، ولی نباید چنین تصور کرد که چون مکر و خدعه و دورویی از مختصات بشر است، پس کمالی است برای بشر و باید از آن استفاده کرد. زیرا دورویی و نفاق یک نوع سوءاستفاده‌ای است از یک استعداد کمالی بشری آن چیزی که نقص است و نام نفاق و دورویی دارد این است که آدمی از همین استعداد و قدرت فرد برای فریب دادن و گمراه ساختن و گول زدن دیگران استفاده کند. پس نفاق و دورویی در عین اینکه از مختصات انسان است کمال انسانی نیست بلکه یک نوع سوءاستفاده از یک استعداد انسانی است.

#### قدرت بر رازداری و استتار کمال است

در اینجا آنچه کمال انسان به حساب می‌آید، قدرت بر استتار و رازداری و مکتوم نگه‌داشتن عقیده و فکر و احساسات درونی است. این قدرت در ذات خود کمال است و عیبی ندارد.

در همه ظروف و احوال و شرایط مقتضی نیست که آدمی عقیده خود را ظاهر کند، زیرا ممکن است، دیگران استعداد پذیرفتن آن را نداشته باشند، یا آنها سوءنیت داشته باشند و موجب مزاحمت صاحب عقیده را فراهم کنند. همچنین مقتضی نیست که آدمی در همه جا احساسات خود را آشکار کند. از آداب معاشرت این است که انسان غم و غصه‌ای دارد آن را در چهره خود ظاهر نسازد، و موجب ملامت خاطر دیگران نگردد.

#### صداقت و شفافیت، راه نجات انسان

متاسفانه بسیاری از مردم دچار این اشتباه هستند که نفاق و دورویی و مکر و خدعه را یک امتیاز برای خود می‌شمارند و به آن نام زرنگی می‌دهند، صداقت و صراحت و یک رویی را از سادگی و کم شعوری می‌شمارند، گمان می‌کنند که با مکر و خدعه و نفاق بهتر می‌توان با عوامل حیات و زندگی اجتماعی هماهنگی کرد و اهداف خود را پیش برد، غافل از اینکه طبع عالم بر صداقت و درستی است. آن کس که با خداوند فکر کند خدا فوق همه مکرکنندگان است. قرآن کریم همواره از راستی و صداقت و صراحت دم می‌زند و با ندای بلند می‌فرماید که مکر و نیرنگ و نفاق با همه پیشرفت‌های موقت محکوم به شکست خوردن است. روزگار بساط نیرنگ و دورویی را در هم می‌پیچد و شیشه نفاق را می‌شکند. اساس عالم بر حقیقت است نه بر مجاز و نمی‌توان به هیچ‌وجه نظام راستین جهان را به بازی گرفت.

## سلوک عارفانه

### حرام بودن دروغ ولو به شوخی

(بدان ای سالک راه خدا!) امام‌خمینی(ره) در شرح چهل حدیث می‌فرماید: از اموری که انسانی باید ملتفت آن باشد این است که دروغ به عنوان شوخی و مزاح هم در اخبار از آن تکذیب (و نهی) شده است و تشدید در امر (به ترک) آن گردیده و علما فتوای به حرمت آن نیز می‌دهند.[1]

۱- چهل حدیث امام‌خمینی، ص ۴۷۲

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir